

﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾:

﴿غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ﴾:

وهؤلاء فئتان في مقابل أهل الحق، فالناس ثلاثة:

أينها دو گروهی هستند که در مقابل اهل حق قرار دارند. مردم سه دسته هستند:

منهم: من طلب الحق وأصابه.

کسی که حق را طلب می‌کند و به آن می‌رسد.

ومنهم: من طلب الباطل وأصابه.

کسی که باطل را طلب می‌کند و به آن می‌رسد.

ومنهم: من طلب الحق وأخطأه.

کسی که حق را طلب می‌کند و به خطا می‌رود.

ولا يتصور أن يطلب أحد الباطل ويخطئه إلى الحق، فأصابة الحق تتطلب النية.

و چنین تصویری که کسی باطل را بطلبد و به خطا به سوی حق برود، معنا نمی‌دهد؛ چرا که رسیدن به حق، مستلزم نیت می‌باشد.

وعلی کل حال، من طلب الحق وأصابه، هم: أهل الحق، أو الذين اهتدوا إلى الصراط المستقیم، والذين طلبوا الباطل وأصابوه، هم: المغضوب عليهم. والذين طلبوا الحق وأخطؤوه هم الضالون.

به هر حال، کسانی که حق را خواستار شدند و به آن رسیدند، همان اهل حق می‌باشند، یا همان کسانی که به «الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» هدایت شده‌اند، و کسانی که باطل را خواستار شدند و به آن رسیدند، اهل غضب‌شدگان خداوند هستند «مَغْضُوبٍ عَلَيْهِمْ». و کسانی که حق را خواستار شدند ولی به خطا رفتند گمراهان می‌باشند (الضَّالِّينَ).

وتطبيق المغضوب عليهم على اليهود، والضالين على النصارى لا يصح دائماً، فهو ربما ينطبق على فئة معينة منهم في زمن معين. فعندما بعث عيسى (عليه السلام) رفض قوم من اليهود الاعتراف به كخليفة الله في أرضه وكنبي، وكفروا به، وهؤلاء هم اليهود المغضوب عليهم. وقبل قوم من اليهود عيسى، ولكنهم اعتقدوا فيه غير الحق فضلوا.

به طور کلی تطبیق دادن غضب‌شدگان به یهود، و گمراهان به نصارا (مسیحیان) درست نیست؛ هر چند در برهه‌ای از زمانی مشخص بر گروهی مشخص از آنان منطبق می‌باشد؛ هنگامی که عیسی (علیه السلام) مبعوث شد، گروهی از یهود از اعتراف به اینکه او خلیفه و جانشین خداوند در زمینش و پیامبر است، سر باز زدند، و به او کافر شدند؛ اینان همان یهودیان مورد غضب قرار گرفته می‌باشند. گروهی از یهود، عیسی (علیه السلام) را پذیرفتند، ولی اعتقادات نادرست در حقیقت روا داشتند و در نتیجه گمراه شدند.

ولعل سبب ضلالهم مع أنّهم طلبوا الحق هو أمراض في نفوسهم منعتهم من قبول الحق، بعد أن وصلوا إلى طرف الحق الموصل إليه، وهؤلاء هم الضالون.

چه بسا علت گمراه شدنشان - آن هم با وجود اینکه خواستار حق بودند - مرضهای نفسانی‌شان بود، که پس از اینکه به آن حقی که آنها را به خداوند می‌رسانید رسیده بودند، آنها را از قبول کردن حق بازداشت؛ اینان، همان گمراهان هستند.

أما اليوم فحال اليهود والنصارى مختلف، فانظر إلى ما يطلبون، ولعلّي لا أتردد في قول إنّ معظمهم يطلب الباطل، وقد خاضوا في سبيل الغي والجور والظلم والفساد الأخلاقي وتحليل ما حرّم الله، وهؤلاء طبعاً مغضوب عليهم سواء كانوا يهود أو نصارى.

اما امروزه وضعیت یهود و نصارا متفاوت می‌باشد؛ ببینید آنها چه می‌خواهند! در این گفته هیچ تردیدی ندارم که بیشترشان خواهان باطل هستند، و در راههای گمراهی و ظلم و فساد اخلاقی و حلال کردن حرام خدا غوطه‌ور شده‌اند. طبیعتاً اینان «مَغضُوبٍ عَلَيْهِمْ» هستند، چه یهودی باشند و چه نصارا.

ومن هنا فإنّ قصر المفهوم القرآني على مصداق معين في الخارج، عبارة عن محاولة اغتيال للقرآن لصالح إبليس وجنوده من الطواغيت ومن المتكبرين، الذين لا يؤمنون بيوم الحساب.

به این ترتیب محدود کردن مفهوم قرآنی بر مصداقی خارجی معین، عبارت خواهد بود از تلاش برای نابود کردن و کشتن قرآن به نفع ابلیس و لشکریان طاغوتی و متکبر او ، که به روز حساب ایمان ندارند.

ولعل الأولى في هذا الزمان وفي البلاد الإسلامية، تطبيق المغضوب عليهم على الطواغيت وأعاونهم. فتدبر أمر هذا الذي يدعي أنه مسلم وهو يعاون الطواغيت الذين يحاربون الشريعة الإسلامية المحمدية، ويطبقون القوانين الوضعية الشيطانية.

چه بسا سزاوارتر باشد که در این زمان و در سرزمین‌های اسلامی، غضب‌شدگان بر طاغوتیان و اعوان و انصارشان تطبیق داده شود. نیک بنگرید در وضعیت کسی که که ادعای مسلمانی دارد در حالی که طاغوتیانی که با آیین اسلامی محمدی پیکار می‌کنند را یاری ، و قوانین وضعی شیطانی را پیاده می‌کند .

ثم إنك تجد أمثال هذا الذي هو حربة بيد الشيطان، يقنت ويصلي ويقرأ سورة الفاتحة ويقول في آخرها: إلهي جنبنا صراط المغضوب عليهم، مع أنه يعمل ليلاً ونهاراً ليكون من المغضوب عليهم، وهو على علم بأنه يسلك صراط الجحيم، ﴿جَدُّوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ﴾ ([النمل : ١٤]).

چنین شخصی را چون نیزه ای در دست شیطان خواهی دید؛ نماز می‌خواند، قنوت می‌گوید، سوره فاتحه را قرائت می‌کند و در انتها می‌گوید که: خدایا ما را از راه غضب‌شدگان دور کن ، با این حال ، شب و روز تلاش می‌کند که از غضب‌شدگان باشد ، در حالی که می‌داند که راه جحیم را می‌پیماید ، ﴿و انکار کردند آنها را حالی که یقین بدان‌ها داشت دل‌های ایشان﴾ ([النمل : ١٤]).

* * *